

بررسی علائم بلوغ در دختران و پسران

رضا فرج الهی^۱، مریم سیفی^۲

نویسنده مسئول:

رضا فرج الهی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۵ / بهار ۱۳۹۸ / ص ۲۱-۱۳

چکیده

اکثر فقها احتلام و انبات را به عنوان دو معیار تکوینی بلوغ، بین پسران و دختران مشترک می دانند و دو معیار حیض و حمل در مورد دختران را با اختلاف نظر، کاشف از تحقق بلوغ پیشین به واسطه انزال منی می شمارند. اقوی این است که آمادگی خروج منی به گونه ای که هرگاه بخواهد، انزال برای وی آسان باشد، معیار بلوغ تلقی می گردد. با در نظر گرفتن این مطلب که در پاره ای از روایات دو ویژگی احتلام و حیض در برابر یکدیگر قرار گرفته اند، چنین بر می آید که احتلام مختص پسران و حیض نشانه بلوغ دختران است. از این رو برخی فقها احتلام را مختص پسران می دانند. در بین مذاهب اسلامی، فقهای امامیه و اهل سنت به استثنای حنفیه، موی زهار را در دختر و پسر از علائم بلوغ برشمرده اند، دلیل فقهای حنفیه بر عدم اعتبار انبات به عنوان معیار بلوغ آن است که حالات افراد نسبت به این نشانه در شرایط جغرافیایی مختلف، متفاوت است و نیز تفاوت های مزاجی مانع از اعتبار انبات به عنوان نشانه بلوغ است. از دیدگاه مالکیه نیز نشانه بودن انبات بر بلوغ، اختصاصی به کافر ندارد. این در حالی است که شافعیه تنها در مورد مشرکان نشانه بودن انبات را می پذیرد.

واژگان کلیدی: علائم بلوغ، احتلام، حیض، انبات

مقدمه

پدیده بلوغ به سان مرحله‌ای بی نظیر در روند رشد هر انسان و مرز میان دوران کودکی و نوجوانی، عرصه‌ای است که از جهات مختلف نیازمند بحث و بررسی است. به عبارتی بلوغ کمال طبیعی انسان است که در آن با پیدایی غریزه جنسی و پدید آمدن برخی دگرگونی‌ها در جسم و اندام‌ها، اندیشه و ادراکات و عاطفه و احساسات، شخص دوران کودکی و نوجوانی را پشت سر می‌گذارد و به بزرگسالی می‌رسد. بلوغ شرعی آغاز شمول تکالیف و بسیاری از حقوق و احکام شرعی است. انسان به هنگام بلوغ از نیروی درک امور پسندیده و ناپسند برخوردار شده و بر خروج از دوران بی مسئولیت کودکی توانا می‌گردد؛ در این زمان او از حداقل رشد عقلی لازم برای فهم تکلیف بهره مند است.^۱ با در نظر گرفتن این مطلب که این مرحله از سن انسان، با علائم و نشانه‌هایی همراه است، در این پژوهش تلاش بر این است تا به علائم و نشانه‌های بلوغ پرداخته شود.

۱. تحلیل مسأله

درباره تعداد معیارهای بلوغ و اینکه صغیر با کدام معیارها بالغ به شمار می‌آید و کدام معیارها کاشف از سبق بلوغ صغیر می‌باشند، می‌توان نظر فقها را به چهار دسته تقسیم کرد:

دسته اول: این گروه از فقها معیارهای بلوغ را به سه گروه: مختص دختران (حیض)، مختص پسران (احتلام) و مشترک در هر دو (انبات) تقسیم می‌کنند. شیخ طوسی^۲ و مرحوم کاشف الغطاء^۳ از این گروه‌اند.

دسته دوم که معیارهای بلوغ را به دو گروه تقسیم می‌نمایند: معیارهای مختص به دختران و معیارهای مختص به پسران، که نهایتاً در تعداد هر کدام از آنها اختلاف نظر دارند. ابن ادریس^۴، ابن حمزه طوسی^۵ و اکثر فقهای معاصر نظیر آیت الله سیستانی، منتظری و حکیم^۶ در این دسته قرار دارند.

دسته سوم معیارهای بلوغ را به دو گروه تقسیم کرده‌اند: در یک گروه معیارهای مشترک دختران و پسران را بیان می‌کنند و در گروه دیگر معیارهای مخصوص دختران یا پسران. محقق حلی در جلد اول شرایع^۷ و با مقداری تفاوت در جلد دوم^۸ و مرحوم صاحب جواهر و محقق بحرانی^۹ از معتقدان به این نظریه هستند.

دسته چهارم از فقها، یک گروه از معیارها را برای بلوغ دختر و پسر و بدون تفکیک بیان کرده‌اند، ولی در تعداد این معیارها اختلاف نظر وجود دارد. برخی پنج معیار برای آن مقرر کرده‌اند، که عبارتند از «السن و ظهور المنی و الحيض و الحلم والانبات»^{۱۰}. اکثر فقهای متقدم در کتاب خود به سه معیار: انبات، خروج منی و سن اشاره می‌کنند.^{۱۱} عده‌ای از فقهای معاصر نیز قائل به همین نظریه هستند.^{۱۲} ولی تنها ابن بابویه و

۱ - مرادی، ۱۳۸۹، ۱.

۲ - طوسی، ۱۴۰۷، ۲۶۶.

۳ - کاشف الغطاء، ۱۲۲۸، ۳۱۶-۳۱۷.

۴ - ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۳۶۷.

۵ - ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ۱۳۷.

۶ - حسینی سیستانی، ۱۴۱۷، ۲۸؛ طباطبائی حکیم، ۱۴۱۵، ۵؛ منتظری، ۱۴۱۳، ۴۲۲.

۷ - محقق حلی، ۱۴۰۳، ۴۹، ۱۴۷.

۸ - همان، ۳۵۱.

۹ - محقق بحرانی، ۱۴۰۸، ۱۸۱ و ۱۸۵؛ نجفی، ۱۳۶۷، ۳۴۸.

۱۰ - ابن زهره، ۱۴۱۷، ۲۵۱؛ قمی سبزواری، ۱۳۸۲، ۶۳.

۱۱ - ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ۵۱۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶، ۱۴۰؛ فاضل الآبی، ۱۴۱۰، ۵۵۲.

۱۲ - موسوی خوئی، ۱۴۰۷، ۱۷۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ۱۳؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ۳۶۳ و ۳۶۷؛ روحانی، ۱۴۱۴، ۲۰۱؛ بهجت، ۱۳۸۷، ۴۲۵.

شیخ صدوق به یک معیار اشاره دارند؛ ابن بابویه احتلام را مطلقاً دلیل بلوغ پسر و دختر دانسته^۱ و شیخ صدوق احتلام پسر و حیض دختر را به معنای بلوغ ایشان می‌داند.^۲

۱-۱. نشانه‌های بلوغ در دختران

اکثریت قریب به اتفاق علما انبات و احتلام را در دختران نشانه تحقق بلوغ می‌دانند و دو معیار حیض و حمل در مورد دختران را با کمی اختلاف نظر، کاشف از سبق تحقق بلوغ به واسطه انزال منی (احتلام) می‌شمارند. شیخ طوسی در مبسوط در رابطه با نشانه‌های بلوغ می‌نویسد: «و هی الاحتلام و الحیض و السن و الحمل دلاله علی البلوغ؛ احتلام، حیض، سن و حمل دلالت بر بلوغ دارند».^۳ همچنین ابن حمزه در الوسيله می‌نویسد: «بلوغ المرأة بأحد شیئین الحیض و تمام عشر سنین و الحمل علامه البلوغ؛ بلوغ زن به یکی از چند چیز است: حیض، رسیدن به ده سالگی و حمل».^۴

از ظاهر عبارات این دو فقیه و برخی فقهای دیگر به دست می‌آید که با حیض بلوغ محقق می‌گردد. حتی ابن زهره بر آن ادعای اجماع نموده است؛ اما مشهور فقیهان شیعه چنین نظری ندارند و از منظر آنان حیض، نظیر آبستنی است و کاشف از بلوغ سابق است. صاحب شرایع می‌گوید: «اما الحمل و الحیض فلیسا بلوغاً فی حق النساء بل قد یکونان دلیلاً علی سبق البلوغ؛ حمل و حیض نشانه‌ی بلوغ در حق زنان نیستند، بلکه دلیل بر بلوغ گذشته هستند».^۵

شهید ثانی در مسالک^۶ و نیز صاحب جواهر^۷ بر این مسأله ادعای اجماع دارند. همچنین صاحب جواهر می‌افزاید: «ظاهر عبارات تذکره و تحریر نیز همین است؛ زیرا علامه بر این که حیض دلیل بلوغ است ادعای اجماع دارد و از طرفی مقصود از دلیل در عبارات فقها، سبب نیست».^۸ صاحب جواهر همچنین کلام صاحب مبسوط و وسیله را بدین صورت توجیه می‌نماید که شاید مقصود این دو فقیه، هنگامی است که حیض مقارن نه سالگی باشد، یعنی بلافاصله پس از نه سالگی حیض می‌شود که در این صورت خود، سبب بلوغ است نه اینکه از بلوغ سابق کشف کند.^۹

۱-۲. نشانه‌های بلوغ در پسران

احتلام و انبات دو معیار تکوینی هستند که در آیات، روایات و فتوای فقهای شیعه مورد تأکید قرار گرفته‌اند. خصوصیت مهم این دو معیار، اشتراک آنها در بین دختران و پسران از یکسو و مسلمانان و کفار از سوی دیگر می‌باشد.

۱-۲-۱. احتلام

در خصوص معیار احتلام یا خروج، ظهور یا انزال منی چند نکته لازم به ذکر است؛ نخست در اینکه احتلام اماره تحقق بلوغ است و بروز آن فی نفسه به معنای بالغ شدن صغیر است، با توجه به متن کتابهای ریاض المسائل، جامع المدارک و جواهر الکلام، نه تنها در بین فقهای مسلمان اختلافی نیست؛ بلکه در میان فقهای شیعه چنین اختلاف نظری به چشم نمی‌خورد، بلکه هر دو نوع اجماع بر آن وجود دارد و آیات قرآن و روایات فراوان بر این امر دلالت دارند.^{۱۰}

^۱ - ابن بابویه، ۱۴۰۶، ۲۰۲.

^۲ - صدوق، ۱۴۱۳، ۱۹۵.

^۳ - طوسی، ۱۳۸۷، ۲۸۳/۲.

^۴ - طوسی، ۱۴۰۸، ۱۳۷.

^۵ - محقق حلی، ۱۴۰۸، ۳۵۲/۲.

^۶ - عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، ۴، ۱۴۵.

^۷ - نجفی، ۱۴۰۴، ق، ۴۲/۲۶.

^۸ - همان.

^۹ - همان.

^{۱۰} - نجفی، ۱۴۰۴، ۱۰/۲۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ۵۹۰؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ۳۶۳.

دوم اینکه مراد از احتلام، مطلق خروج منی است.^۱ حتی اقوی آن است که آمادگی خروج منی به گونه‌ای که هرگاه بخواهد انزال برای وی آسان باشد، معیار بلوغ است،^۲ لذا صاحب جواهر تقیید خروج منی را از مجرای مخصوص آن و نیز اینکه منشأ تولید مثل باشد - که در عبارت فقهایی نظیر شهید ثانی^۳ سید علی طباطبائی^۴ و محقق حلی^۵ مورد تأکید قرار گرفته - را اشتباه دانسته است.

نکته سوم اینکه همانطور که اشاره گردید معیارهای احتلام و انبات در افاده بلوغ بین زن و مرد مشترک هستند و صرف نظر از تصریح فقهایی زیادی چون علامه حلی در تذکره الفقهاء^۶ و شهید ثانی در شرح لمعه^۷ صاحب جواهر از اصل اشتراک در احکام استفاده کرده؛ با این شرط که خلاف آن ثابت نشده و عموم آیات و روایات یاد شده در تأیید این مطلب باشد.^۸

صاحب جواهر در مورد احتلام می‌گوید: «عمومیت معقد اجماعات مذکور در الخلاف و التذکره شامل پسر و دختر هر دو می‌شود، افزون بر اینکه احتلام اماره ای طبیعی است که شارع آن را برای کشف بلوغ انسان قرار داده و لذا در آن فرقی بین پسر و دختر نیست.^۹

در برخی روایات دو ویژگی احتلام و حیض در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند و چنین بر می‌آید که احتلام مختص پسران و حیض نشانه بلوغ دختران است. لذا برخی فقها احتلام را ویژه پسران می‌دانند.^{۱۰}

شیخ طوسی در باب «صوم» کتاب مبسوط آورده است:

«اما البلوغ فهو شرط فی وجوب العبادات الشرعیه، و حدّه هو الاحتلام فی الرجال و الحيض فی النساء؛ اما بلوغ شرط در وجوب عبادات شرعیه است و حد آن احتلام در مردان و حیض در زنان است.»^{۱۱}

نیز صاحب وسیله در باب خمس می‌گوید: «و بلوغ الرجال يحصل باحد ثلاثه اشیاء: الاحتلام و الأنبات و تمام خمس عشره سنه و بلوغ المرأة بأحد شیئین: الحيض تمام عشر سنین؛ و بلوغ مردان با یکی از این سه چیز حاصل می‌شود: احتلام و انبات و کامل شدن ۱۵ سال و بلوغ زن به یکی از این دو چیز است: حیض و کامل شدن ۱۰ سالگی.»^{۱۲}

از عبارت صاحب مذهب نیز به دست می‌آید که احتلام را تنها نشانه بلوغ پسران می‌داند: «و حد بلوغ الغلام احتلامه، أو کمال عقله، أو أن يشعر و حد بلوغ المرأة، تسع سنین؛ و حد بلوغ پسر احتلام، کمال عقل و یا روییدن مو است و حد بلوغ زن رسیدن به ۹ سالگی است.»^{۱۳}

همچنین ابن ادریس گوید: «والاعتماد عند اصحابنا علی البلوغ فی الرجال، هو اما بالاحتلام، أو الأنبات فی العانه، أو خمس عشره سنه، و فی النساء الحيض أو الحمل أو تسع سنین؛ اعتماد به رسیدن به بلوغ در مورد مردان در نزد اصحاب ما یا به احتلام است یا روییدن مو بر عانه، یا رسیدن به سن ۱۵ سالگی و در زنان نشانه بلوغ، حیض یا حمل یا رسیدن به ۹ سالگی است.»^{۱۴}

۱-۲-۲. انبات

مراد از انبات روییدن موی زبر بر روی عانه می‌باشد که بدون اختلاف دلیل حصول بلوغ دختران است و در غنیة النزوع بر آن ادعای اجماع شده است.^{۱۵} به عبارت دیگر مقصود موهای خشن و زیری است که هنگام بلوغ بر زهار می‌روید و به ازاله نیاز دارد. البته در روایات به خشن بودن

۱ - همان.

۲ - نجفی، ۱۴۰۴، ۱۰/۲۶؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ۳۶۳.

۳ - شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۴۳.

۴ - طباطبائی، ۱۴۰۴، ۵۹۰.

۵ - محقق حلی، ۱۴۰۸، ۳۵۱.

۶ - علامه حلی، ۱۴۱۰، ۷۴.

۷ - عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰، ۱۴۴.

۸ - نجفی، ۱۴۰۴، ۱۲/۲۶.

۹ - همان، ۵.

۱۰ - مرادی، ۱۳۸۹، ۱۸۲.

۱۱ - طوسی، ۱۳۸۷، ۳۶۶/۱.

۱۲ - طوسی، ۱۴۰۸، ۱۳۷.

۱۳ - طرابلسی، ۱۴۰۶، ۱۱۹/۲-۱۲۰.

۱۴ - ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۱۹۹/۲.

۱۵ - ابن زهره، ۱۴۱۷، ۲۵۱.

تصریح نشده است، اما بدیهی است موهای نرمی که در کودکی نیز بر زهار دیده می‌شود قابل اعتنا نیستند. در عصر روایات نیز مورد توجه نبوده‌اند و نوع خشن و زبر آن به عنوان نشانه بلوغ معروف و شناخته شده بوده است، بنابراین اطلاق روایات بر این نوع حمل می‌شود.^۱ این نشانه در سیر طبیعی فعالیت جنسی دختران و پسران نقش مهمی را ایفا می‌کند. شارع نیز چنین جایگاهی را مورد تأیید قرار داده و موی زهار را به عنوان علامتی که بلوغ شرعی با آن احراز می‌شود پذیرفته است. گواه این بیان، روایات و فتاوی فقها است. فقیهان شیعه و اهل سنت به جز حنفیان موی زهار را در دختر و پسر نشانه بلوغ می‌دانند. البته شافعی تنها در مورد مشرکان نشانه بودن آن را می‌پذیرد.^۲ حنفیه انبات را از نشانه‌های بلوغ نمی‌دانند، نه در مورد مسلمان و نه در مورد کافر و به عدم اعتبار آن تصریح نموده‌اند و موهای زهار را چون دیگر موهایی می‌دانند که بر سر یا بدن می‌روید.^۳

ابوحنیفه دلیل مدعای خود را اختلاف حالات افراد نسبت به این نشانه در شرایط جغرافیایی مختلف و نیز تفاوت‌های مزاجی می‌دانند. به عنوان مثال می‌گوید موی زهار در هندوها زودتر و در ترکان دیرتر ظاهر می‌شود. به دلیل این اختلاف نمی‌توان از آن به عنوان یک علامت ثابت در همگان استفاده کرد.^۴

مالکیه انبات را نشانه بلوغ می‌دانند و از نظر آنان به کافر اختصاصی ندارد؛ اما از این جهت که آیا انبات به طور مطلق نشانه بلوغ است، حتی در مورد تکالیفی که مربوط به حق الله است یا تنها در اموری که مربوط به حق الناس است می‌توان از این علامت بهره برد، دو احتمال وجود دارد: آیا روییدن موی زهار مطلقاً علامت است، هم در مورد حقوق الهی؛ چون نماز و روزه که حاکم شرع در آن دخالتی ندارد و هم در حقوق بندگان نسبت به یکدیگر؛ مثل طلاق که حاکم وقت باید نظر بدهد، یا تنها در مورد دوم معتبر است؟ بنابر احتمال دوم اگر واجبات الهی را ترک کند و محرمات را مرتکب شود، گناهی بر او نوشته نمی‌شود، یا نسبت به طلاق همسر خود یا آزاد کردن بنده یا اجرای حدود، در باطن، الزامی برای او نیست، اگر چه حاکم وی را به این امور ملزم کند؛ زیرا حاکم براساس نشانه‌های ظاهری او حکم می‌دهد. در این خصوص تردید وجود دارد. تحقق چنین فتوای عجیبی در خارج ناممکن می‌نماید و ثمره عملی بر آن مترتب نیست و تنها در مقام تصور می‌توان چنین سخنی را گفت. اینکه شخصی از سوی حاکم شرع ملزم به طلاق همسرش یا عتق بنده‌اش باشد، اما خود در باطن به آن معتقد نباشد و صیغه طلاقی را که خود خوانده بی اثر باشد، نظریه‌ای عجیب است. همچنین اگر حاکم شرع کسی را شایسته اجرای حد بداند، اما خود او به دلیل عدم بلوغ، به این امر باور نداشته باشد. اگر موی زهار برای دیگران از جمله حاکم شرع نشانه بلوغ باشد، پس به طریق اولی برای خود شخص معتبر است. شاید اگر عکس این نظریه را مالکیه مطرح می‌نمودند، نسبتاً قابل پذیرش بود و آن اینکه رویش موی زهار نسبت به حقوق الهی برای شخص تکلیف آور است، ولی نسبت به حقوق مردم نیاز به نشانه دیگری است، به این معنی که در ادله این نشانه تشکیک کنیم؛ در نتیجه رویش موی زهار برای شخص، نشان از پیشی گرفتن بلوغ به احتلام یا سن دارد، اما برای دیگران چون از احتلام یا سن او آگاهی ندارند، معتبر نیست. مالکیه احتمال اول را ترجیح داده‌اند.^۵

در اینجا ذکر چند نکته ضرورت دارد:

نکته نخست اینکه صرف روییدن مو کافی نیست و طبق اصل، عدم بلوغ به واسطه صرف رویش مو بر عانه استصحاب می‌شود.^۶

الفاظ روایات هم تکیه بر عرف دارد؛ اگر چه تصریحی به زبر بودن موها ندارند.^۷

نکته دوم اینکه بین فقها اختلاف نظر شدیدی در مورد اینکه آیا روییدن موی زبر بر صورت، سینه و زیر بغل هم نشانه حصول بلوغ است، وجود دارد. پاسخ عده ای مثبت و برخی منفی است.^۸

گروهی هم معتقدند اگر با این نشانه‌ها یقین بر بلوغ حاصل شود، حکم به بلوغ صغیر می‌شود و الا به بلوغ حکم نمی‌شود.^۱ نکته سوم در خصوص انبات آن است که انبات معیار بلوغ پسران و دختران و مسلمانان و مشرکان است. این نظر شیعه و عامه است؛ شیخ طوسی در کتاب

۱ - نجفی، ۱۴۰۴، ۲۶/۷.

۲ - مرادی، ۱۳۸۹، ۱۴۲.

۳ - ابن قدامه مقدسی، بی تا، ۴، ۵۱۳.

۴ - سرخسی، ۱۴۱۴، ۲۷/۱۰.

۵ - الجزیری، ۱۴۱۹، ۲، ۳۵۱.

۶ - طباطبائی، ۱۴۰۴، ۵۸۹.

۷ - نجفی، ۱۴۰۴، ۲۶/۷.

۸ - علامه حلی، ۱۴۱۰، ۲۱۸؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ۱۱۹.

خلاف بدان تصریح نموده است.^۲ ابن زهره در غنیه ادعای اجماع بر نشانه بودن این علامت دارد.^۳ دیگر فقیهان امامیه نیز چون ابن حمزه،^۴ ابن ادریس،^۵ محقق در شرایع،^۶ صاحب ایضاح الفوائد،^۷ شهید اول،^۸ محقق کرکی^۹ و شهید ثانی^{۱۰} به نشانه بودن موی زهار بر بلوغ تصریح کرده‌اند. مگر اینکه شافعی در قسمت اخیر این مسئله دو قول دارد و قول مخالف وی مبتنی بر این است که انبات دلیل بلوغ کفار است و نه مسلمانان؛ زیرا تاریخ تولد صغیر مسلمان را می‌توان با شهادت ابوبن یا سایر بستگان وی به دست آورد، اما شهادت کفار در این موضوع مقبول نیست.^{۱۱} حنبله انبات را نشانه بلوغ زن و مرد می‌دانند، هم درباره مشرکان و هم مسلمانان.^{۱۲}

چنان که بیان شد فقهای مذاهب این علامت را میان دختران و پسران مشترک دانسته‌اند. حتی شافعی که بنا بر قول صحیح تر موی زهار را نشانه بلوغ مشرکان می‌داند، آن را به پسران اختصاص نداده است.^{۱۳}

فقهای شیعه امامیه نیز موی زهار را نشانه بلوغ دختر و پسر می‌دانند. شیخ طوسی در مبسوط می‌نویسد: «و أما الإنبات فهو أن ينبت الغلام أو الجارية الشعر الخشن حول الفرج؛ و اما انبات آن است که موی خشن و زبر در اطراف فرج پسر بچه یا دختر بچه برآید».^{۱۴}

ابن ادریس در سرائر آورده است: «و أما البلوغ فهو شرط في وجوب العبادات الشرعيه و حد في الرجل اما بالاحتلام أو بلوغ خمس عشرة سنة أو الإنبات و هو خشونة العانة و المرأة تعرف بلوغها إما بالاحتلام أو الإنبات أو بلوغ تسع سنين؛ و اما بلوغ، شرط در وجوب عبادات شرعیه است و در مردان یا با احتلام یا رسیدن به ۱۵ سالگی یا انبات است و منظور از انبات خشن شدن عانه است و بلوغ زن یا به احتلام یا انبات یا رسیدن به سن ۹ سالگی است».^{۱۵}

در شرایع الاسلام آمده است: «و يعلم بلوغه بإنبات الشعر الخشن على العانة و خروج المنى و يشترک في هاتين العلامتين الذکور و الإناث؛ بلوغ مرد با انبات موی خشن بر عانه و خروج منی دانسته می‌شود و مرد و زن در این دو علامت مشترک هستند».^{۱۶}

اما در میان روایات یاد شده قرائنی وجود دارد که اختصاص به پسران فهمیده می‌شود یا حداقل قدر متیقن از حکم، پسران می‌باشند و سرایت حکم به دختران محل اشکال است؛ از جمله در روایتی که مربوط به نبرد بنی قریظه است و معلوم است که زنان در جنگ کشته نمی‌شوند تا از نظر بلوغ مورد آزمایش قرار گیرند.

صاحب جواهر در عمومیت ادله برای دختران اشکال کرده، می‌گوید نصوص به پسران اختصاص دارد. همچنین از عبارات برخی فقها استفاده می‌شود که روایات مختص پسران است و سپس به اجماع فقها برای عمومیت استناد می‌جوید. اگر چه اضافه می‌کند که با تتبع در عبارات فقها می‌توان دریافت که اجماع تأیید نشده است. همچنین دو مؤید دیگر برای شمول این نشانه برای دختران ذکر می‌کند: اولاً موی زهار نشانه طبیعی است. پس میان دختر و پسر فرقی ندارد. ثانیاً عادتاً رویش آن پس از نه سالگی در دختران صورت می‌گیرد. به همین دلیل در روایات ذکر نشده است.^{۱۷}

۱ - منتظری، ۱۴۱۳، ۴۲۲.

۲ - طوسی، ۱۴۰۷، ۲۸۱/۳.

۳ - حلبی، ۱۴۱۷، ۲۵۱.

۴ - طوسی، ۱۴۰۸، ۱۳۷.

۵ - ابن ادریس حلبی، ۱۴۱۰، ۳۶۷/۱.

۶ - محقق حلبی، ۱۴۰۸، ۱۴۷/۱.

۷ - فخرالمحققین حلبی، ۱۳۸۷، ۵۰/۲.

۸ - ابن مکی عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۲، ۱۵۳.

۹ - محقق کرکی، ۱۴۱۴، ۴۶/۲.

۱۰ - عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، ۴، ۱۴۱؛ همو، ۱۴۱۰، ۲، ۱۴۴.

۱۱ - علامه حلبی، ۱۴۱۰، ۷۳.

۱۲ - ابن قدامه مقدسی، بی‌تا، ۵۱۲/۴.

۱۳ - شربینی، ۹۷۷، ۱۶۷/۲.

۱۴ - طوسی، ۱۳۸۷، ۸، ۲۱.

۱۵ - ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۳۶۷/۱.

۱۶ - محقق حلبی، ۱۴۰۸، ۹۹/۲.

۱۷ - نجفی، ۱۴۰۴، ۷/۲۶.

اما اجماعی که در دو کتاب خلاف و تذکره ادعا شده مربوط به شمول این علامت برای کافران است؛ چنان که در این دو کتاب آمده است: «الإنبات دلالة على بلوغ المسلمين و المشركين، دليلنا إجماع الفرقه، انبات دلالت بر بلوغ مسلمانان و مشرکان دارد و دلیل این مطلب اجماع فرقه مسلمانان است»^۱.

«نبات هذا الشعر دليل على البلوغ في حق المسلمين و الكفار عند علمائنا اجمع؛ رویدن مو دلیل بر بلوغ در حق مسلمین و کفار است و علماء ما اجماع کرده‌اند»^۲.

بنابراین مقصود اجماع کنندگان، عمومیت این نشانه برای دختران و پسران نیست. صاحب مفتاح الکرامه سه دلیل برای عدم اختصاص این نشانه به پسران ذکر می‌کند از جمله آنها اجماع و تنقیح مناط است.^۳

درباره این نشانه باید گفت با توجه به این که شارع مقدس سن نه سال را برای بلوغ دختر در نظر گرفته، اگر موی زهار پس از نه سالگی بروز کند - چنان که غالباً همین طور است - نشانه بلوغ است، البته بلوغی که قبلاً با نه سالگی محقق شده است. بنابراین در مواردی که چهل به سن وجود دارد یا شخص بلوغ خود را انکار کند، کاربرد دارد. همچنین است اگر همزمان با نه سالگی رویش مو آغاز شود باز هم به عنوان نشانه بلوغ مطرح می‌گردد؛ اما اگر شرایط به گونه‌ای باشد که دختران بسیار زودتر از نه سالگی به بلوغ جنسی برسند، چنان که هم اکنون در برخی از کشورها بلوغ پس از هفت سالگی، طبیعی است؛ طبعاً موی زهار نیز زودتر پدیدار می‌گردد. در چنین شرایطی مسلماً رویش مو نشانه بلوغ شرعی نیست؛ زیرا سن بلوغ دختر نه سالگی است و پیش از آن، دختر بالغ به حساب نمی‌آید. البته علت عدم بلوغ در روایات بیان شده و آن عدم امکان وقوع حیض پیش از نه سالگی است. ممکن است عدم ذکر این نشانه در روایات برای دختران، تفاوت بیش از حد زمان وقوع آن نسبت به نسل‌های مختلف باشد. این اختلاف تنها نسبت به این نشانه نیست، بلکه بروز دیگر نشانه‌های بلوغ دختران، چون برآمدن پستان، قاعدگی، و افزایش چربی اطراف ران، در شرایط محیطی و تغذیه‌ای مختلف و نسبت به دوران‌های گوناگون از نظر زمانی بسیار متغیر است. از این رو سن نه سالگی به عنوان حداقل و حداکثر سن بلوغ در نظر گرفته شده است. در مورد پسران چنین تغییراتی آن چنان قابل ملاحظه و چشمگیر نیست. دلیل این مدعا اتفاق نظر نسبی است که میان مذاهب اسلامی در سن بلوغ پسران وجود دارد که از ثبات نسبی در سیر بلوغ پسران حکایت می‌کند. مفاد روایات عصر پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) نیز با وضعیت کنونی انطباق دارد.^۴

۱ - طوسی، ۱۴۰۷، ۲۸۳/۳.

۲ - علامه حلی، ۱۳۸۸، ۷۳/۲.

۳ - حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ۲۳۷.

۴ - مرادی، ۱۳۸۹، ۱۶۴.

نتیجه گیری

قریب به اتفاق علما احتلام و انبات را در دختران نشانه تحقق بلوغ می دانند و دو معیار حیض و حمل در مورد دختران را با کمی اختلاف نظر، کاشف از سبق تحقق بلوغ به واسطه انزال منی (احتلام) می شمارند. احتلام و انبات دو معیار تکوینی هستند. خصوصیت مهم این دو معیار، اشتراک آنها از یک طرف در بین دختران و پسران و از طرف دیگر در بین مسلمانان و کفار می باشد. مراد از احتلام، مطلق خروج منی است. حتی اقوی آن است که آمادگی خروج منی به گونه ای که هرگاه بخواهد انزال برای وی آسان باشد، معیار بلوغ تلقی می شود، لذا فقهای نظیر صاحب جواهر تقیید خروج منی را از مجرای مخصوص آن و نیز اینکه منشأ تولید مثل باشد را اشتباه دانسته است. در پاره ای از روایات دو ویژگی احتلام و حیض در برابر یکدیگر قرار گرفته اند و چنین بر می آید که حیض نشانه بلوغ دختران و احتلام مختص پسران است. از همین رو برخی فقها احتلام را ویژه پسران می دانند. فقهای امامیه و اهل سنت به استثنای حنفیه، موی زهار را در دختر و پسر نشانه بلوغ دانسته اند با این تفاوت که شافعیه تنها در مورد مشرکان نشانه بودن آن را می پذیرد. احناف به عدم اعتبار انبات به عنوان نشانه های بلوغ تصریح نموده اند و موهای زهار را نظیر دیگر موهایی می دانند که بر سایر اعضاء بدن می روید. دلیل احناف بر این مطلب، اختلاف حالات افراد نسبت به این نشانه در شرایط جغرافیایی مختلف و نیز تفاوت های مزاجی عنوان شده است. مالکیه انبات را نشانه بلوغ می دانند و از نظر آنان اختصاصی به کافر ندارد.

منابع و مأخذ

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، چاپ اول، قم - ایران: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- جزیری، عبدالرحمن، (۱۴۱۹ق)، **الفقه على المذاهب الاربعه**، بیروت: دارالثقلین.
- حلبی، ابن زهره، حمزه بن علی حسینی، (۱۴۱۷ هـ ق)، **غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع**، در یک جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران.
- سبزواری، محمدباقر، (۱۴۲۳ق)، **کفایه الاحکام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- سرخسی، محمد بن أحمد، (۱۴۱۴ق)، **المبسوط**، بیروت: دار المعرفة.
- سیستانی، سید علی، (۱۴۳۲ق)، **منهاج الصالحین**، بیروت: دارالمورخ العربی.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳ق)، **من لا یحضره الفقیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز، (۱۴۰۶ هـ ق)، **المهذب (لابن البراج)**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، **الخلافا**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- -----، (۱۳۸۷ق)، **المبسوط فی فقه الامامیه**، چاپ سوم، تهران - ایران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- طوسی، محمد بن علی بن حمزه، (۱۴۰۸ق)، **الوسیلة إلى نیل الفضیلة**، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره.
- کاشف الغطاء، محمد حسین، (۱۴۲۲ق)، **تحریرالمجله**، تهران: المجمع العالمی التقریب بین المذاهب الاسلامی.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مرادی، عذرا، (۱۳۸۹)، **بلوغ شرعی در مذاهب اسلامی**، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- مقدسی (ابن قدامه)، عبد الله بن احمد، (بی تا)، **الشرح الكبير على متن المقنع**، بیروت: دار الكتاب العربی للنشر والتوزيع.
- نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.